

# اضطراب دفتر سوم

شکل های ابژهی a

ژاک لاکان

سمینار ژاک لاکان

جلد پنجم

۱۹۶۲ - ۱۹۶۳

Jacques  
Lacan

مترجم: صبا راستگار

ویراستار تخصصی: دکتر سهیلا خداوردیان

ویراستار فنی: رضا محب علی پور

# فهرست

## پنج شکل ابژه‌ی $a$

۹	شانزده / پلک‌های بودا
۳۳	هفده / دهان و چشم
۵۱	هجده / صدای پهوه
۷۱	نوزده / فالوس ناپایدار از اضطراب اختگی تا ارگاسم
۸۷	بیست / آن‌چه به گوش می‌رسد
۱۰۳	بیست و یک / شیر آب پیازه
۱۲۳	بیست و دو / از مقعدی تا ایده‌آل
۱۴۵	بیست و سه / درباب دایره‌ای که قابل تقلیل به یک نقطه نیست
۱۶۵	بیست و چهار / از $a$ تا اسم‌ها- ی - پدر

# شانزده

## پلک‌های بودا

علت، سنکویی برای ابژه  
یقین اضطراب  
بیهودی‌ها و کارکرد بقایا  
مازوخسیم مسیحی  
زن یا مرد؟

شما را با توضیحی رها کردم که عملکرد ختنه کردن را در اقتصاد میل، اقتصاد ابژه در معنی‌ای که تحلیل آن را ابژه‌ی میل می‌داند، مورد سؤال قرار داد. درس پیش با متنی از ارمیای نبی، آیه‌های ۲۴ و ۲۵ از بخش نهم به پایان رسید، این آیات در طول سالیان مشکلاتی را برای مترجمان به وجود آورده است، زیرا متن عبری می‌گوید: من همه‌ی کسانی را که پوست ختنه‌گاهشان ختنه شده را شکست خواهم داد. عبارت متناقضی که مترجمان سعی در حل آن داشته‌اند و حتی یکی از تازه‌ترین و بهترین مترجمان، ادوئار دورم<sup>۱</sup> نیز آن را با این کلمات ترجمه کرده است: *Je seirai contre tout circoncis a la facon de l incirconcis*، من برای همه‌ی آنانی که ختنه شده‌اند، همان مجازاتی را در نظر خواهم گرفت که برای آنانی که ختنه نشده‌اند در نظر گرفته‌ام.

فقط این نکته را به این دلیل یادآوری می‌کنم که نشان دهم آن‌چه واقعاً موضوع بحث ما در این جاست، رابطه‌ای دائمی با ابژه‌ی گم شده دارد. این ابژه‌ی *a* به‌عنوان

---

۱. Edouard Dhorme: آشورشناس، نشانه‌شناس و مترجم کتاب مقدس اهل فرانسه (۱۹۶۶ - ۱۸۸۱)

دقیق. این مکان، مکانی است که می‌خواهیم به‌طور دقیق حدود آن را مشخص کنیم. مکانی که هیچ‌وقت پیش از این در چیزی که ممکن است آن را پرتوافکنی<sup>۱</sup> فزادنی بنامیم، مشخص نشده‌است. این مکان محوری در کارکرد خالص میل، همان جایی است که می‌خواهیم در آن به شما نشان دهیم که  $a$  - ایزه‌ی ایزه‌ها. چه‌طور شکل می‌گیرد.

برای آن که این واژه در تقابل با اصطلاح عینیت<sup>۲</sup> قرار بگیرد، ما در واژگان خود از اصطلاح عینی‌بودگی<sup>۳</sup> استفاده کرده‌ایم. برای این که این تقابل را در فرمولی کوتاه بگنجانیم، می‌توانیم بگوییم که عینیت در تفکر علمی غرب اصطلاحی غایی است، مشابه با منطق محضی که در نهایت، به فرمالیسم<sup>۴</sup> منطقی ترجمه می‌شود. اگر درس‌های من در طول پنج یا شش سال اخیر را دنبال کرده باشید، می‌دانید که عینی‌بودگی چیز دیگری است. برای این که نکته‌ی اصلی آن را بیرون بکشیم و در فرمولی قرار دهیم که با فرمول پیشین در تعادل باشد، می‌گوییم که عینی‌بودگی متناظر است با اشتیاق بریدن، اما، به‌شکلی متناقض؛ این همان جایی است که فرمالیسم، در معنی‌ای که کانت به‌کار می‌برد، با عواقبش روبه‌رو می‌شود. این نتیجه و معلول، که در نقد عقل محض به‌خوبی درک نشده‌است، این فرمالیسم را تبیین می‌کند.

حتی کانت، تأکید می‌کنم مخصوصاً کانت نیز در علیت فرومی‌ماند و توجیه این کارکرد را به عقب می‌اندازد - امری که تا به حال هیچ امر پیشینی آن را تقلیل نداده‌است - این توجیه برای کل مکانیزم تجربه‌ی زنده‌ی حیات ذهنی ما، یعنی کارکرد علت لازم است. در مجموع، علت ثابت می‌کند که نقد آن انکارناپذیر، ناکاستنی و تقریباً غیرقابل درک است.

این کارکرد چیست؟ چه‌طور می‌توانیم قدرت ثابت آن در رویارویی با هر تلاشی برای کاهش دادن آن را توجیه کنیم؟ می‌توان گفت که این تلاش، شکل‌دهنده‌ی جنبشی مداوم در روند رو به جلوی فلسفه‌ی غرب است؛ جنبشی که هیچ‌گاه موفق نشده‌است.

اگر ثابت شده که این علت قابل تقلیل نیست، به این دلیل است که در کارکرد خود با آن چه امسال، در این‌جا به شما آموزش داده‌ام، منطبق و برابر است، همان

چیزی که بریده شده، نشانگر رابطه‌ی جوهری با جدایی‌ای از این گونه است. متنی که در این‌جا از کتاب مقدس آوردم، منحصر به فرد نیست، اما به‌واسطه‌ی تناقض مفروطی که دارد، منظور از اصطلاحات ختنه‌شده و ختنه‌نشده را در هر بار استفاده در این‌جا، روشن می‌کند. موضوع مورد بحث در این تکه‌گوشتی که ایزه‌ی این مراسم را شکل می‌دهد، به هیچ‌وجه مربوط به موضعی خاص نیست. لب‌های ختنه‌نشده، قلب‌های ختنه‌نشده، همه‌ی این عبارات که در متن‌های مختلف تقریباً استاندارد و معمولی هستند، تأکید می‌کنند که چه‌طور جدایی اساسی از بخش مشخصی از بدن، یعنی پیوستی خاص، برای سوژه‌ای که اکنون دچار بیگانگی شده، نماد ارتباطی بنیادین با بدنش می‌شود.

امروز می‌خواهم از جنبه‌ی وسیع‌تر، از زاویه‌ی گسترده‌تر و فراگیرتر، به موضوع بپردازم.

همان‌طور که برخی از شما می‌دانید، اخیراً از سفری برگشته‌ام که تجربه‌های متفاوتی به من داده است. در هر حال، این تجربه‌ی مهم از نزدیک، نوعی از نظر گذراندن و روبه‌رو شدن با برخی از آثاری بود که بدون آن‌ها حتی دقیق‌ترین بررسی متون، از جمله مطالب و تعالیم که در این‌جا، در مکتب بودایی مدنظر است، خشک، ناقص و بدون پشتوانه خواهد بود.

## ۱

میل در واقع، پایه، هدف، مقصد و عمل ضروری را در میان همه‌ی چیزهایی شکل می‌دهد که این‌جا در این آموزش، بر اساس پیام فروید بیان شد. در این پیام چیزی کاملاً جدید و ضروری نمایان می‌شود و درست در همین‌جا، راهی داریم که این پیام از طریق آن مسیر خود را می‌پیماید. چه کسی از میان شما - امیدوارم چند نفری باشید - می‌تواند این پیام را دریافت کند؟

باید در نقطه‌ای که به آن رسیده‌ایم و بعد از استراحت طولانی‌ای که داشتیم، درباره‌ی موضوع امسال به فعالیت بپردازیم، یعنی موضوع یک مکان هندسی